مجله زبانشناسی و گویش های خراسان ، سال یازدهم ، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۲۰

Doi: 10.22067/ lj.v11i1.75258

تحلیل خطبه شِقشقیّه با تکیه بر بافت‌شناسی اجتماعی-سیاسی، نظریه فراگفتمان و مبانی بلاغت

مریم سادات طیرانی[1] (دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران)
سید علی اصغر سلطانی[2] (دانشیار زبانشناسی همگانی دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران، نویسنده مسئول)
علی ربیع[3] (استادیار زبانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران)

صص: ۱۹۲-۱۷۳

چکیده

ویژگی‌های برجسته زبانی و ادبی نهج‌البلاغه همواره مایه پژوهش‌های زبانی و ادبی بوده است. در این میان شقشقیه خطبه‌ای مهم است که افزون بر آموزه‌های اخلاقی، از بعد زبانی نیرومندی برخوردار است. از این رو این مقاله می‌کوشد تا از طریق ایجاد یک سه‌ضلعی هرمنوتیک متشکل از بافت‌شناسی سیاسی-اجتماعی، نظریه فراگفتمان و مبانی بلاغت، به درک و شناخت بهتری از لایه‌های پنهان خطبه شقشقیه دست یابد. در این راستا، از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها، استفاده شده است. چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر حوزه بافت اجتماعی-سیاسی که خطبه در آن ایراد شده، شناسایی نشانگرهای فراگفتمان شامل نشانگرهای محاوره‌ای و تعاملی (مطابق با مدل هایلند، ۲۰۰۵) و فنون اقناع مخاطب از حیث روش‌های بنیادین بلاغت (اتوس، لوگوس، پاتوس) است. نتایج بررسی متن خطبه شِقشِقیّه، نشان داد که گذرها با بسامد ۲۰ پرتکرارترین و چارچوب‌سازها و استنادها با بسامد ۱، کم تکرارترین نشانگرهای محاوره‌ای هستند. همین‌طور، نگرش‌ها و خوداظهارها با بسامد ۷ پرتکرارترین، و درگیرسازها با بسامد ۲ کم تکرارترین نشانگرهای تعاملی هستند و هیچ نوع ارجاع درون متنی و عبارت احتیاطی در متن خطبه مشاهده نمی‌شود. همچنین، نشانگرهای محاوره‌ای پرتکرارتر از نشانگرهای تعاملی بودند. همچنین، تحلیل خطبه نشان داد که گفتمان امام علی(ع) در

تاریخ دریافت : ۱۳۹۷/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش : ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

پست الکترونیکی: 1. tayaranims@gmail.com 2. aasultani@yahoo.com 3. a_rabi@azad.ac.ir

خطبه شِـقشِـقیّه که متنی نه کنایه‌وار بلکه پراسـتعاره است جلوه‌ای معرفتی دارد، چه گویی گوینده با مخاطبی غافل روبه‌رو اسـت و لاجرم مسـیر سـخن می‌بایست به سوی هشدار به پیش رود. وجه غالب کلام امام علی(ع) در این خطبه عمدتاً متمرکز بر روش‌های بنیادین لوگوس و پاتوس اسـت، زیرا بافت اجتماعی–سـیاسـی، وجود جنبه‌های عقلانی و البته احساسی در کنار هم را ایجاب می‌کرده‌است.

کلیدواژه‌ها: خطبه شِقشِقیّه، بافت اجتماعی–سیاسی، نظریه فراگفتمان، مبانی بلاغت

۱- مقدمه

در حوزه مذهب به دلیل ماهیت انتزاعی و تأثیر در شکل‌دهی باورهای انسانی و قالب بندی ایدئولوژیکی، نیاز به بررسـی‌های عمیق علمی و زبان شـناختی بیش از سـایر متون احسـاس می‌شـود. نهج‌البلاغه که از برجسـته‌ترین کتب اسلامی پس از قرآن کریم می‌باشد، در پرتو علوم جـدید توجه پژوهشـگران زیادی را به خود جلب نموده اسـت. به همین روی، تحلیل زبان‌شـناختی این کتاب می‌تواند نتایج سودمندی به دنبال داشته باشد. اگرچه شیوه‌های تحلیلی در حوزه زبان‌شـناسـی از تنوع برخوردارند، اما یکی از نظریات مسـتدل و رایج در تحلیل ارتباطات، نظریه تحلیل گفتمان[1] اسـت. یکی از اصـطلاحاتی که به طور وسـیع و گسـترده در تحلیل گفتمان به‌کار برده می‌شـود، فراگفتمان[2] اسـت (هایلند، ۲۰۱۷: ١٦). فراگفتمان رویکرد نسـبتاً جدیدی است که به شیوه‌هایی که نویسندگان یا گویندگان خود را در نوشته‌هایشان برای تعامل با مخاطبانشـان برجسـته می‌کنند اشاره دارد. مفهوم فراگفتمان بر اساس این دیدگاه شکل گرفته اسـت که نوشـتار یا گفتار تعهدی اجتماعی است (هایلند، ۲۰۰۵: ١٤٤). فراگفتمان حوزه جدید و جالبی از مطالعه و بررسـی اسـت که نقش مهمی در سـازماندهی و تولید نوشـتاری متقاعدکننده دارد (امیریوسفی و اسلامی راسخ[3]، ۲۰۱۰: ۱۵۹). فراگفتمان با نام‌های دیگری نظیر «فرازبان»، «فراگفتگو» و «فراارتباط» نیز شـناخته می‌شود و مفهوم اصلی آن بیشتر بر «گفتمان در مورد گفتمان» یا «متن در مورد متن» متمرکز اسـت (ونده‌کوپل[4]، ۱۹۸۵: ٨٤)؛ به این معنا که فراگفتمان در ارتباط می‌تواند بیانگر چیزی بیش از تبادل اطلاعات باشد و دربردارنده شخصیت

1. Discourse analysis
2. Meta-discourse
3. Amiryousefi & Eslami Rasekh
4. Vande Kopple, W. J.

نویسنده یا گوینده، نگرش و طرز فکر او نیز می‌باشد. توجه به نقش خواننده باعث می‌شود که برقراری ارتباط ساده‌تر صورت گیرد و نویسنده با در نظر گرفتن دانش پیش زمینه خواننده و آنچه باید برای وی توضیح داده شود، راحت‌تر به هدف نهایی انتقال پیام است، دست می‌یابد. از همین رو است که می‌توان آن را از ابزارهای موجود اقناع متن دانست.

پس از معرفی مختصر متغیرهای اصلی، توجه به این مسئله مهم است که پژوهش‌های مختلفی با استفاده از چارچوب‌ها و رویکردهای مختلف مانند نظریه کنش گفتاری (طباطبایی لطفی و قاسمی، ۱۳۹۳)، رویکرد نقش گرا (صدیقی و ستایش‌مهر، ۱۳۹٤)، روان‌شناسی اجتماعی و ارتباطات (کرم‌پور و همکاران، ۱۳۹٤) و نظریه زبانی کارگفت (کاظمی، ۱۳۹۳) روی نهج‌البلاغه انجام شده است. با این وجود، بررسی‌های پژوهشگر در پایگاه‌های علمی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از چارچوب نشانگرهای فراگفتمان جهت تحلیل زبانی نهج‌البلاغه آنچنان رایج نیست. از سوی دیگر، تمایل اکثر پژوهش‌های انجام شده روی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان در مطالعات زبانی، بر جنبه‌های آموزشی، به ویژه مهارت‌های نوشتاری زبان دوم (مانند پهلوان‌نژاد و علی‌نژاد، ۱۳۹۱) معطوف بوده است و بررسی کاربرد این نشانگرها در متون مذهبی با توجه به اهمیّت بسیار زیاد آن‌ها، بسیار کمرنگ بوده است و به همین دلیل وجود یک خلأ پژوهشی در زمینه ارتباط فرایندهای گفتمانی و ایدئولوژیک و تعامل آنها با رویکردهای اقناع مخاطب حس می‌شود. بررسی گفتمان نهج‌البلاغه با استفاده از مدل‌های گفتمانی رایج، تبیین اصول بلاغی و نیز چگونگی تعامل میان این گفتمان و بلاغت می‌تواند به توسعه مبانی ارزشمند نهج‌البلاغه کمک شایانی نماید.

از دیگر سو باید توجه داشت که تفاوت‌ها در به‌کارگیری نشانگرهای فراگفتمان نه تنها می‌بایست در رابطه با فرهنگ ملیِ نویسنده، بلکه باید در رابطه با ژانر و اجتماع گفتمانیِ بلادرنگی که متن در آن نوشته می‌شود درک شوند. اگرچه تا کنون در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، تصویری کلی از نشانگرهای فراگفتمان ارائه شده است، اما به دلیل ویژگیِ پویای این نشانگرها و اهمیت بلاغی آن‌ها در زبان‌ها و زمینه‌های گوناگون، بررسی بیشتر این مسئله کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، هدف از این بررسی تحلیل خطبه شِقشِقیّه با تکیه بر بافت‌شناسی اجتماعی–سیاسی، نظریه فراگفتمان و مبانی بلاغت است.

۲- پیشینه پژوهش

زلیگ هریس[1] (۱۹۵۲) معتقد اســت بحث درباره گفتمان را از دو بعد می‌توان ســامان داد: اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آن‌ها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع. به بیان دیگر گفتمان شکلی از گفتگو، اما دارای وجهی کلی است، چون در گفتمان تنها معنای ظاهریِ مطرح شــده، مورد نظر نیســت؛ بلکه شــرایط ظاهری، مکانی، زمانی، اجتماعی، فرهنگی و سـیاسی نیز در آن نهفته است. با توجه به این ویژگی‌ها، بایستی بپذیریم که گفتمان، «چندوجهی، توسعه نیافته، مبهم و مناقشه‌انگیز» است.

گفتگو شــرط مقدماتی هر گفتمان به حساب می‌رود؛ هر نوع گفتار، کلام، یا نوشتار، جریانی اجتماعی اســت و یا به بیان دیگر دارای ســرشت، ساختار و ماهیت اجتماعی هستند. گفتمان‌ها بر حســب زمان و مکان تفاوت می‌کنند. در هر کشور گفتمان‌های متفاوتی وجود دارد، علاوه بر آن در داخل یک کشور نیز گفتمان‌ها با هم تفاوت دارند (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱٦۱).

مفهوم فراگفتمان نخســتین بار توســط زلیگ هریس در سال ۱۹۵۹ در مطالعات زبان‌شناسی کاربردی مطرح شد. او مفهوم فراگفتمان را به عنوان ابزار و عناصر زبانی که نویسنده یا گوینده از آن برای انتقال پیام استفاده می‌کند، معرفی کرد. از این جهت، فراگفتمان را می‌توان اصطلاحی فراگیر در نظر گرفت که دربرگیرنده مشـخصـه‌های انسجامی و بینافردی است و تأثیر مهمی در ایجاد ارتباط بین متن مشخص و بافت را ایفا می‌کند. به دلیل اینکه زبان همواره نتیجه تعاملاتی اســت که بین افراد به شــکل کلامی صــورت می‌گیرد، می‌توان فراگفتمان را راهی برای بیان و شکل‌گیری این تعاملات دانست. فراگفتمان با هدف درک بهتر ارتباط میان افراد، به عنوان تعهد اجتماعی عمل می‌کند؛ نویســنده را قادر می‌کند که متنی دشــوار را به نوشــته‌ای روان، پیوســته، منســجم و قابل درک برای خواننده تبدیل کند؛ آنرا به بافت مورد نظر مربوط سازد و شخصیت خود، اعتبار، میزان توجه به خواننده تبدیل کند؛ آن را با بافت موردنظر مرتبط سازد و شخصیت خود، اعتبار، میزان توجه به خواننده و نوع پیام را در متن لحاظ کند (هایلند، ۲۰۰۰).

---

1. Harris, Z. S.

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با گفتمان، بلاغت و تحلیل‌های اجتماعی-سیاسی روی نهج‌البلاغه صورت گرفته‌است که حوزه‌های متفاوتی را پوشش می‌دهند. در ادامه تلاش شده تا برخی از این پژوهش‌ها معرفی شوند.

عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد (۱۳۹۳) به بررسی ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج‌البلاغه بر اساس فرانقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا پرداخته‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از بندهای این خطبه با آغازگر مرکب شروع شده و این انتخاب به ایجاد پیوستگی در متن کمک کرده‌است، به‌طوری‌که انتخاب آغازگر در چند بند بیانگر حفظ و یا بسط موضوع بوده و در مواردی نیز به‌کارگیری آغازگری خاص، زمینه فهم و تفسیر بند یا بندهای بعدی را فراهم نموده‌است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند دلیلی مستند بر سخن‌وری بی‌همتای امام علی(ع) باشد.

فتحی مظفری و همکاران (۱۳۹٦) با انتخاب پنج ترجمه فارسی از خطبه‌های نهج‌البلاغه شامل ترجمه‌های آقایان جعفری، دشتی، شهیدی، فقیهی و فیض‌الاسلام به واکاوی عملکرد مترجمان در شیوه ترجمه شماری از واژگان نشان‌دار نهج‌البلاغه و شیوه انتقال مؤلفه‌های معنایی چنین واژگانی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که توجه ناکافی به آحاد تشکیل‌دهنده معنای یک واژه، علاوه بر اینکه در انتقال سبک و ایدئولوژی نویسنده تأثیر سوئی بر جای می‌گذارد، زمینه‌ساز برابریابی غیردقیق واژگان نیز خواهد شد.

کریمی و همکاران (۱۳۹٦) مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف در نهج‌البلاغه را بررسی کرده‌اند. آن‌ها کوشیده‌اند تا مؤلّفه‌های حقوق زمامدار بر مردم را بر اساس نظام حق و تکلیفِ نهج‌البلاغه، معرفی نمایند. آن‌ها با اتخاذ رویکرد کیفی مبتنی بر منطق استقراء و متکی بر استراتژی داده‌بنیاد به گونه‌ای اکتشافی به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بصیرت، ثبات، جهاد در راه خدا، مسئولیت اجتماعی و اطاعت و حمایت از زمامدار، بارزترین مؤلّفه‌های عقلانیت سیاسی مردم است که نهج‌البلاغه ارائه می‌دهد.

از سوی دیگر، در حوزه آموزش نیز پژوهش‌های تجربی متعددی روی نقش فراگفتمان در نوشتار علمی و یا درک مطلب صورت گرفته است. به عنوان مثال، سیمین[1] (۲۰۰٤) نوشته‌های

1. Simin, S.

۹۰ دانشجوی کارشناسی ایرانی که انگلیسی را به عنوان زبان خارجی می‌آموختند، بررسی کرد. او دانشجویان را بر اساس مهارت‌های زبانی، به سه دسته متوسط، پایین‌تر از متوسط و بالاتر از متوسط تقسیم کرد و از آن‌ها خواست تا در مدت یک نیمسال تحصیلی درباره موضوعات مورد بحث جامعه مطلب بنویسند. پس از جمع‌آوری داده‌ها در پایان ترم و بر اساس چارچوب ونده‌کوپل (۲۰۰۲)، کاربرد فراگفتمان‌ها بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد فراگفتمان متنی بسیار بیشتر از فراگفتمان بینافردی بوده است.

در همین راستا، هاشمی و گل‌پرور (۲۰۱۲) نیز به مطالعه کاربرد فراگفتمان‌های متنی و بینافردی پرداختند. این محققان با به‌کارگیری چارچوب ونده‌کوپل (۱۹۸۵) به بررسی بسامد و میزان کاربرد فراگفتمان در این ژانر پرداختند و دریافتند که در اخبار، بیشترین کاربرد را فراگفتمان‌های متنی داشتند.

هایلند و تس[1] (۲۰۰٤) در پژوهشی به بررسی عناصر فراگفتمانی به مثابه راهی برای درک عوامل بینافردی که نویسنده از آن‌ها برای ارائه تمایز اجتماعی و بلاغی، در رشته‌های مختلف استفاده می‌کند، پرداختند. آن‌ها با این هدف، ۲٤۰ پایان‌نامه و رساله مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های زبان‌شناسی کاربردی، مطالعات بازرگانی، علوم کامپیوتر، مهندسی الکترونیک، زیست‌شناسی و مدیریت را بررسی کردند. نتیجه پژوهش بیانگر این بود که نویسندگان معمولاً از میزان بیشتری از صورت‌های تعاملی استفاده می‌کنند و پربسامدترین عناصر فراگفتمانی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، به ترتیب عبارات احتیاطی، گذرها، ارجاع‌های درون‌متنی و استنادها هستند.

مسئله اقناع و ترغیب مخاطب نیز موضوع برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی بوده است. به عنوان مثال، کرم‌پور و همکاران (۱۳۹٤)، با رویکرد دینی و با روش توصیفی-تحلیلی، به شناسایی، بررسی و تحلیل مسئله اقناع مخاطب در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان داد که امام علی(ع) در سخنان خویش از انواع فنون و شیوه‌های اقناع مثل تبلیغ، حکمت و موعظه برای قانع ساختن مخاطب استفاده نموده و با توجه به اینکه هر کدام از این روش‌ها در جای خود و به‌موقع مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نهایت تأثیر خود را بر روی مخاطب داشته‌اند.

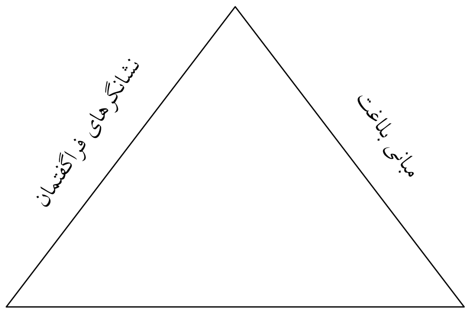
---

1. Hyland, K., & Tse, P.

گنزالز۱ (۲۰۰۵) نیز به بررسی فراگفتمان‌های متنی در حوزه روابط انسان و کامپیوتر پرداخت و نتیجه گرفت که نقش فراگفتمان در ترغیب مشتری در وب سایت‌های تجاری بسیار مهم است، زیرا، این عناصر به راحتی قادر هستند تا خواننده را در وب‌سایتی که مملو از شکل، نشانه و تبلیغات است، به آنچه که مد نظر نویسنده است، رهنمون شوند. جلیلی‌فر و علی‌پور (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی دریافتند که فراگفتمان در شکل‌گیری پیوستگی متن و تأثیر مثبت بر مخاطب نقش اساسی دارد. همچنین، توکلی و همکاران (۲۰۱۰) نیز اذعان کردند که کاربرد فراگفتمان بینافردی مهم است، اما تأثیر فراگفتمان متنی در درک مطلب بسیار چشمگیرتر است.

۳- روش، چارچوب نظری و فرایند اجرای پژوهش

در مقاله حاضر، از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها، استفاده شده است. در این نوع از پژوهش‌ها، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی مسئله مورد بحث و ابعاد آن پرداخته می‌شود. این گونه پژوهش‌ها می‌توانند دو جنبه کاربردی و بنیادی داشته باشند. جنبه کاربردی آنها با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی امکان‌پذیر است. جنبه کاربردی اینگونه پژوهش‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت با هدف پیشرفت جامعه و جنبه بنیادی آن‌ها ناشی از کشف واقعیت‌های علمی است. چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر یک سه‌ضلعی هرمنوتیک بنا شده که در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

سطوح تحلیلی به شرح زیر هستند:

1. González, R. A.

بافت‌شناسی اجتماعی-سیاسی که خطبه در آن ایراد شده: نخستین و مهم‌ترین بخش نهج‌البلاغه که مجموعاً ۲۴۱ خطبه می‌باشد حاوی سخنرانی‌های مهم امام علی(ع) بوده و در مناسبت‌های گوناگون از قبیل خطبه‌های نماز جمعه، نمازهای عید، پیشامدها و جنگ‌ها و... ایراد شده‌است. در این پژوهش، در سطح نخست به بررسی ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خواهیم پرداخت که خطبه در آن ارائه شده است. به طور کلی خطبه‌های نهج‌البلاغه از نظر زمانی به سه بخش تقسیم می‌گردد:

- قبل از حکومت (مانند خطبه‌های ۵، ٦٧، ۱۳۹، و ...)
- در هنگام خلافت (مانند خطبه‌های ۳، ۱۲، ۱۵، ١٦، و ...)
- دوران حکومت (مانند خطبه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۱۰۵، ٤٧، ۱۰۸ و ...)

نشانگرهای فراگفتمان (هایلند، ۲۰۰۵): در سطح دوم، نشانگرهای فراگفتمان مطابق با مدل هایلند (۲۰۰۵) شناسایی و استخراج خواهند شد. هایلند (۲۰۰۵) فراگفتمان را چیزی بیش از تبادل اطلاعات می‌داند و معتقد است که این عناصر می‌توانند شامل نگرش، شخصیت نویسنده و مفروضات افرادی که با آن‌ها در ارتباط هستیم، نیز شود. هایلند (۲۰۰۵: ٤٦) فراگفتمان را اصطلاحی فراگیر تلقی می‌کند و اظهار می‌دارد که «این عناصر برای عبارات خوداندیشیده با هدف تبادل معانی در متن، کمک به نویسنده برای نظرهای مشخص و لحاظ کردن خواننده به عنوان عنصری از یک جامعه خاص به کار می‌روند».

هایلند (۲۰۰۵) ادعا می‌کند گفتمان فرایندی است که در آن نویسنده هم زمان با نوشتن مطلب، به خلق محتوای گزاره‌ای و لحاظ کردن موضوعات بینافردی نیز می‌پردازد، بنابراین، همه سه عملکرد کلانی که هلیدی مطرح کرد، وابسته به یکدیگر عمل می‌کنند و مستقل از هم نیستند، هایلند در سال ۲۰۰٤ با بهره‌گیری از مدلی که تامسون[1] و تتلا[2] (۱۹۹۵) مطرح کردند، دسته بندی جدید با عنوان مدل بینافردی فراگفتمان[3] ارائه داد که در آن مقولات متنی به عوامل محاوره‌ای[4] و مقولات بینافردی به عوامل تعاملی[5] تغییر نام دادند. مدل هایلند (۲۰۰۵) به دلیل

1. Thompson, G.
2. Thetela, P.
3. interpersonal model of metadiscourse
4. interactive
5. interactional

جامعیت بیشتر نسبت به دو مدل دیگر، یعنی ونده‌کوپل (۱۹۸۵)، کریزمور[1]، مارکانن[2] و استیفنسن[3] (۱۹۹۳) جهت شناسایی و استخراج نشانگرهای فراگفتمان از متن خطبه شِقشِقیّه استفاده شد. به عقیده هایلند (۲۰۰۵)، مدل ونده‌کوپل (۱۹۸۵) مبهم و دارای همپوشانی‌هایی است و مدل کریزمور، مارکانن و استیفنسن (۱۹۹۳) نیز نتوانسته زیرمقوله‌ها را به خوبی دسته‌بندی نماید. همانطور که گفته شد، مدل ارائه شده توسط هایلند (۲۰۰۵) از دو مقوله اصلی محاوره‌ای و تعاملی تشکیل می‌شود. بخش محاوره‌ای فراگفتمان با آگاهی نویسنده از مخاطب، و تلاش‌های وی برای تطبیق با علایق و نیازهای او و رضایت بخش نمودن مباحثه یا استدلال سروکار دارد. از سوی دیگر، بخش تعاملی، با تلاش‌های نویسنده برای روشن کردن منظور خود، و درگیر کردن خواننده از طریق پیش‌بینی ایرادها و واکنش‌ها به متن سروکار دارد. بخش محاوره‌ای شامل گذرها، چارچوب‌سازها، ارجاع‌های درون‌متنی، استنادها و ابهام‌زداها و بخش تعاملی گفتمان شامل تأکیدها، عبارات احتیاطی، نگرش‌ها، خوداظهارها، درگیرسازها می‌باشد.

جدول ۱. مدل بینافردی فراگفتمان (هایلند، ۲۰۰۵: ۴۹)

مقوله‌ها	نشانگرها	کارکرد	نمونه‌ها
محاوره‌ای	گذرها[4]	جملات را به هم مرتبط می‌کنند	به‌علاوه؛ اما؛ بنابراین؛ و
	چارچوب‌سازها[5]	به مراحل، سکانس‌ها و افعال گفتمانی اشاره می‌کنند	در نهایت؛ در نتیجه؛ منظور من
	ارجاع‌های درون‌متنی[6]	به اطلاعات ارایه شده در بخش‌های دیگر متن اشاره می‌کنند	شکل ۱ را ببینید؛ در بخش ۲
	استنادها[7]	به اطلاعات ارایه شده در متون دیگر اشاره می‌کنند	طبق نظر...؛ ... معتقد است
	ابهام‌زداها[8]	توضیح بیشتری در خصوص معنی ارایه می‌دهند	یعنی؛ به عبارت دیگر؛ مانند ...

1. Crismore, A.
2. Markkanen R.
3. Steffensen, M.
4. transitions
5. frame markers
6. endophoric markers
7. evidentials
8. code glosses

مقوله‌ها	نشانگرها	کارکرد	نمونه‌ها
تعاملی	عبارات احتیاطی[1]	از تعهد جلوگیری می‌کنند و جا برای گفتگوی باز ایجاد می‌کنند	شاید؛ ظاهراً؛ به نظر می‌رسد
	تأکیدها[2]	اطمینان را القاء می‌کنند و راه را برای گفتگوی باز می‌بندند	بی تردید؛ قطعاً؛ مبرهن است
	نگرش‌ها[3]	نگرش نویسنده نسبت به متن را بیان می‌کنند	متأسفانه؛ جالب توجه اینکه
	خوداظهارها[4]	به طور مستقیم به نویسنده(گان) اشاره می‌کنند	من؛ ما
	درگیرسازها[5]	به طور واضح با خواننده ارتباط ایجاد می‌کنند	دقت داشته باشید؛ ببینید

در این دسته‌بندی تأکید بر مقولات بینافردی، بافت و رابطه میان نویسنده و خواننده است. هایلند (۲۰۰۵: ۱٦۱) معتقد است که همه فراگفتمان‌ها بینافردی هستند، به این معنا که «در برگیرنده دانش خواننده، تجارب متنی و نیازهای پردازشی هستند». مدل پیشنهادی هایلند (۲۰۰۵) چارچوبی عملکردی در بافت در نظر گرفته می‌شود که بر جداسازی محتوای گزاره یا از کاربرد فراگفتمانی تأکید ندارد. با اینکه این دو موضوع از یکدیگر مجزا هستند، اما با کمک یکدیگر به خواننده در درک درست متن کمک می‌کنند.

فنون اقناع مخاطب: در سطح آخر، مسئله بلاغت تحلیل خواهد شد. ارسطو، رتوریک (بلاغت) را ابزارهای اقناعی می‌داند. او معتقد است رتوریک را می‌توان به عنوان قوه ذهنی کشف ابزارهای اقناعی در دسترس درباره هر موضوع معیّن تعریف کرد. او بر این عقیده است که سخنرانان می‌توانند بر اساس دنیای پیرامونشان مشاهده کنند که ارتباطات چگونه روی می‌دهد و از این فهم برای سخن گفتن و ایجاد استدلال‌های متقاعدکننده استفاده کنند. ارسطو سه مرحله در بلاغت قائل می‌شود: بدعت، تنظیم، و سَبک که مبتنی بر سه روش بنیادین

1. hedges
2. boosters
3. attitude markers
4. self-mentions
5. engagement markers

اتوس[1]، پاتوس[2]، و لوگوس[3] هســتند. اتوس یعنی تلاش گوینده یا سخنور برای اینکه شخصیت خود را خردمند، اخلاقی و معتمد نشان دهد که آرامش و اعتدال از نخستین نشانه‌های آن است. اتوس ایجاب می‌کند که ســخنور همواره منطقی، مطمئن و صبور باشد و از بکارگیری عجولانه واژگان بپرهیزد و با شــناخت نقاط ضــعف موجود در جلب اعتماد مخاطب بکوشــد تا کلام او صــادقانه تلقی شــود. پاتوس نیز بر احساسات، عواطف و غرایز یا همدلی با مخاطب تکیه دارد که برای پیش‌بینی نیازهای مخاطب اصــولی عاطفی، غریزی را مدنظر گرفته و با تکیه بر حس زیبایی شــناختیِ مخاطب به ســازماندهی اســتدلال و شــیوه بیان می‌پردازد. هدف هر اســتدلال متقاعد کردن شــنونده اســت. لوگوس، یعنی به‌کاربردن منطق که عقل و شعور مخاطب را هدف قرار دهد. اشاره و رعایت اصول حقوقی و مقررات قانونی، استدلال‌های منطقی سازماندهی‌شده از اصول مهم آن است. ساختار منسجم و بهم پیوسته این نوع کلام به اثبات و القای باور گوینده منتج می‌شود (فن شعر، ۱۳٤۳).

پیکره متنی

متن عربی خطبه شِــقشِــقیّه، پیکره متنی این پژوهش را نشــان می‌دهد. این خطبه، تاریخ و فلســفه ســی سال حکومت خلفا و خلافت خود آن حضرت و فلسفه حکومت از دیدگاه اسلام اســت (امامی‌فر، ۱۳۷۹). امام علی(ع) همچنین به هجوم مردم برای بیعت با خودش و البته به ناکثین، قاسـطین، و مارقین اشــاره می‌کند و در پایان نیز دلایل پذیرش حکومت را بیان می‌کند. این خطبه در اکثر نسخه‌های نهج‌البلاغه، سومین خطبه است. تحلیل این خطبه از ابعاد گوناگون می‌تواند ایدئولوژی سیاسی امام علی(ع) را به خوبی نشان دهد.

٤- تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها

جدول ۲ بســامد گونه‌های محاوره‌ای و تعاملی نشانگرهای فراگفتمانی را در خطبه شِقشِقیّه نشان می‌دهند.

1. ethos
2. pathos
3. logos

جدول ۲. بسامد نشانگرهای محاوره‌ای و تعاملی در خطبه شقشقیّه

نشانگرهای فراگفتمان		بسامد	نمونه
نشانگرهای محاوره‌ای	گذرها	۲۰	يَنْحَدِرُ عَنِّی السَّيْلُ وَ لَا يَرْقَی
	چارچوب‌سازها	۱	فِی حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِآخَرَ بَعْدَ وَفَاتِهِ
	ارجاع‌های درون‌متنی	۰	–
	استنادها	۱	تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ
	ابهام‌زداها	۱٦	إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّی مِنْهَا
جمع		۳۸	
نشانگرهای تعاملی	عبارات احتیاطی	۰	
	تأکیدها	۵	لَقَدْ تَقَمَّصَهَا
	نگرش‌ها	۷	فَيَا عَجَباً
	خوداظهارها	۷	فَمَا رَاعَنِی
	درگیرسازها	۲	أَمَا وَ اللَّهِ
جمع		۲۱	

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است گذرها با بسامد ۲۰ و ابهام‌زداها با بسامد ۱٦ به ترتیب پرتکرارترین و چارچوب‌سازها و استنادها با بسامد ۱، کم تکرارترین نشانگرهای محاوره‌ای هستند. همین‌طور، نگرش‌ها و خوداظهارها با بسامد ۷، تأکیدها با بسامد ۵ و درگیرسازها با بسامد ۲ به ترتیب پرتکرارترین و کم تکرارترین نشانگرهای تعاملی هستند. با این حال، جالب است که هیچ نوع ارجاع درون متنی و عبارت احتیاطی در متن خطبه مشاهده نمی‌شود. همچنین، نشانگرهای محاوره‌ای با بسامد ۳۸، پرتکرارتر از نشانگرهای تعاملی با بسامد ۲۱ بودند.

طالقانی (۱۳۷٤) با توجه به ذکر قضایای ناکثین (اصحاب جمل، جمادی سال ۳٦) و قاسطین (معاویه و یارانش در صفّین، اواخر سال ۳٦ و اوایل سال ۳۷) و مارقین (خوارج نهروان، اواخر سال ۳۷ یا در سال ۳۸)، و نیز حضور ابن عباس هنگام ایراد خطبه، که به وضوح در خطبه ذکر شده است تاریخ ایراد این خطبه را اواخر سال ۳۸ یا اوایل سال ۳۹ دانسته است، یعنی زمانی که مردم برای رویارویی با معاویه بهانه‌جویی می‌کردند. امام این خطبه را در پاسخ به مردی ایراد کرد که از او درباره سبب به تأخیر انداختن تصدی خلافت پرسش کرد.

در آغاز این خطبه، امام علی(ع) انتقاد خود را از مرحله نخست خلافت بیان کرده و سپس عنوان می‌کند که به سبب اولویت دادن به منافع اسلام نسبت به منافع شخصی، در مقابل این بی‌عدالتی صبر و سکوت کرده است. امام در ادامه با اشاره به آشفتگی‌های اجتماعی در زمان عمر، آن را ناشی از گفتار خشونت‌آمیز و خطاهای پی‌درپی دانسته‌است. سپس به ماجرای قتل عثمان و دلایل آن، یعنی شکمبارگی وی و دخالت‌های نابه‌جای بنی‌امیه می‌پردازد. همچنین، جریان بیعت عمومی مردم- که جلوه‌ای از مردم‌سالاری است- و ارتباط بی‌توجهی به دین و تعالیم قرآن به ظهور انحراف در جامعه در این خطبه بیان شده است. در بخش پایانی خطبه، امام علی(ع) دلایل سه‌گانه پذیرش خلافت را اینگونه برمی‌شمرد: حضور مردم در صحنه، اتمام حجت به دلیل حضور یاران و ادای پیمان الهی، و جمله معروف «اگر این دلایل نبود حکومت را نمی‌پذیرفتم، زیرا دنیای شما نزد من بی‌ارجتر از آبی است که از بینی بُز به هنگام عطسه پراکنده می‌شود» را به زبان می‌آورد. مسئله جالب توجه این است که امام (علی) در این خطبه کوتاه، به بخش بزرگی از قضایای مهم دوران خلافتِ کوتاه خود اشاره‌ای مجمل می‌کند.

بررسی بافت اجتماعی-سیاسی این خطبه به طور حتم می‌بایست دربردارنده دلایل و اسباب ایراد آن نیز باشد؛ بدین معنا که جریان نبرد جمل، صفین و خوراج و تأثیر این نقاط برجسته بر ایجاد انگیزه‌های ارائه این خطبه، جزئی از بافت سیاسی و اجتماعی آن را تشکیل می‌دهد. همان گونه که حضرت علی(ع) در جای جای خطبه فرمودند، اوضاع اجتماعی در آن زمان دچار انحرافات بسیار و بازگرداندن آن جامعه به مسیر اصلی، بسیار دشوار بود. بخش بزرگی از این مشکلات برخاسته از بدعت‌هایی بود که ریشه در نحوه زمامداری داشتند و در زمان حکومت امام علی(ع) در مقابل او قد علم کرده بودند. امام علی(ع) مخالفان را به سه دسته ناکثین، مارقین و قاسطین تقسیم نمودند:

الف- ناکثین (مرتبط با جنگ جمل): رهبری این دسته را طلحه، زبیر و عایشه بر عهده داشتند. انگیزه آنها برای پیمان‌شکنی علیرغم بیعت با امام، دنیاطلبی بود. برخی از ریشه‌های مهم شکل‌گیری این اختلاف عبارتند از: ۱) کینه‌ورزی بنی تیم به بنی هاشم به دلیل به رسمیت نشناختن حکومت ابوبکر از جانب امام علی(ع)؛ ۲) امیدواری عایشه (دختر ابوبکر) به خلافت طلحه (که از اقوام پدری او بود) پس از مرگ عثمان و کینه‌ورزی نسبت به امام علی(ع) که خلافت را پذیرفت؛ ۳) بهانه عدم انعقاد اجماع در بیعت امام علی(ع)؛ ٤) کینه‌ورزی طلحه و

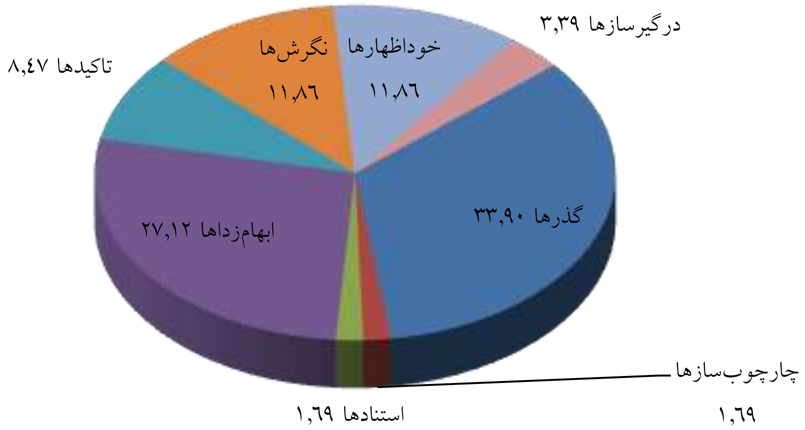
زبیر (که در زمان عثمان حق السکوت زیادی گرفته بودند) نسبت به عدالت امام علی(ع)، ۵) تحریک طلحه و زبیر توسط بنی امیّه (به خصوص معاویه) که زمینه را مساعد می‌دید و به راه انداختن جنگ جمل (امامی‌فر، ۱۳۷۹).

ب- مارقین (مرتبط با جنگ نهروان): جریان مارقین (خوارج) برخاسته از دو زمینه فکری و اجتماعی بود: ۱) دور ماندن مردم از حقیقت اسلام و نبود تحلیل و شناخت جامع و کامل از اسلام پس از رحلت پیامبر(ص)؛ ۲) بروز جنگ‌های داخلی و خلأ دلایل اقناع‌کننده برای رویارویی با برادران مسلمان. این زمینه‌ها منجر شد تا عده‌ای سکوت و انفعال را پیشه کنند و عده‌ای دیگر، مانند خوارج، جنگ با هر دو گروه را ضروری دانستند (امامی‌فر، ۱۳۷۹؛ بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۳۵۳-۳۵۲).

ج- قاسطین (مرتبط با جنگ صفین): زمینه‌های بروز این فتنه عبارتند از: ۱) تبدیل خلافت به سلطنت و حکومت خانوادگی بنی امیّه توسط عثمان؛ ۲) عادی شدن حیف و میل بیت‌المال در زمان عثمان (امامی‌فر، ۱۳۷۹). امام علی(ع) پس از به دست گرفتن حکومت، اولین کاری که کرد عزل عمّال عثمان بود (ابن ابی الحدید، ١٤٠٤ق، ج ۱: ۱۹۹).

حضرت (ع) در ابتدای خطبه عنوان می‌کنند که بانیان فتنه‌های سه‌گانه و غاصبان حکومت، آگاهانه و تعمداً به مخالفت با وی پرداختند. شواهد تاریخی این ادعا را می‌توان در اعترافات ابوبکر («پسر ابوقحافه جامه خلافت به تن کرد، در حالی که خود می‌دانست من به این امر لایق ترم» (نهج‌البلاغه، ترجمه شهیدی: ٦))، عمر («اگر علی امر حکومت را به دست بگیرد [گرچه در او شوخ طبعی است] سزاوارترین و لایق‌ترین است که شما را به راه حق هدایت کند.» (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۲: ٦٦))و معاویه در جواب نامه محمدبن ابوبکر («در زمان گذشته، ما بودیم و پدر تو (ابوبکر) هم با ما بود و فضیلت علی بن ابی طالب و لازم بودن حق او را بر گردن خویش می‌شناختیم.... پس از پیامبر، اولین کسانی که حق او را گرفتند و با امر واقعی او مخالفت ورزیدند پدر تو بود و فاروقش... اگر پدرت پیش از ما این اقدام را نکرده بود، ما با فرزند ابی طالب مخالفت نمی کردیم و امر خلافت را به او تسلیم می‌نمودیم (ابن ابی الحدید، ١٤٠٤ق، ج ۱: ۱۹۹).

در ادامه با توجه به سهم هر یک از نشانگرها به کل بسامد آنها و درصدگیری، نمودار زیر را رسم می‌کنیم. این نمودار نمایی شماتیک از مقایسه درصد این نشانگرها را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مقایسه درصد نشانگرهای فراگفتمان در خطبه شقشقیه

گذرها که ۳۳,۹۰ درصد از کل نشانگرها را تشکیل می‌دهند موجب اتصال و انسجام متنی و جلوگیری از انحراف توجه مخاطب و البته ترغیب وی به سوی فهم درونمایه کلام از طریق ایجاد اتصال بین معانی و نشانه‌های کلامی است. فقدان و یا کمبود گذرها می‌تواند منجر به ایجاد سوءتفاهم، ارسال اطلاعات غلط و در نتیجه بدفهمی کلام شود. امام علی(ع) با رعایت اصل لوگوس، در این خطبه با ایجاد انسجام بین معانی و از طریق ارائه یک سلسله وقایع تاریخی به هم پیوسته، به انتقاد از خلفای پیشین می‌پردازد. امام علی(ع) با استفاده مکرر از گذرها زنجیره معانی مذکور را ایجاد کرده است. جلوه‌ای از به‌کارگیری گذرها در بند اول خطبه دیده می‌شود که امام معانی را به هم پیوند می‌دهد و تصاویری را به چشم مخاطب می‌نمایاند که درونمایه‌ای مجسم از نقد صریح و البته بسیار فصیح از مسئله خلافت ابوبکر و تصمیم خود به سکوت دارد.

ابهام‌زداها ۲۷,۱۲ درصد از نشانگرها را به خود اختصاص داده‌اند. امام در سرتاسر متن کوشیده تا نقاط ابهام احتمالی را در جریان سخن برطرف نماید. این بدان معنا است که امام پس از ایراد سخن، به نحوی آن را تحلیل نموده و بلافاصله هر جا که حس کرده مخاطب ممکن است دچار ابهام شده و یا معنای سخن را وارونه دریافت کند، از ابهام‌زداها بهره برده است. با این تفسیر، با تکیه بر اصل اتوس می‌توان نتیجه گرفت که امام سعی بر آن دارد تا اعتماد حداکثری مخاطب را جلب کند و کلام خود را صادقانه بنمایاند. از سوی دیگر با تکیه بر اصل لوگوس، منطق مخاطب را مبنا قرار داده و پیش فرض‌های باطل یا مبهم او را برطرف

می‌کنند. امام از این ابهام‌زداها در سرتاسر متن خطبه به خوبی بهره برده است، طوری که نقطه ابهامی در متن برای مخاطب باقی نمی‌ماند.

در سوی دیگر، خوداظهارها ۱۱٫۸۶ درصد از مجموع نشانگرها را تشکیل می‌دهند. وجود خوداظهارها ممکن است این مسئله را به مخاطب القاء کند که نویسنده قصد خودستایی دارد و البته خودستایی امری نکوهیده است! در پاسخ به این تردید می‌بایست خودستایی را در مقابلِ معرفی و شناساندن خود قرار داد. با تکیه بر اصل اتوس، هدف امام(ع)، نه خودستایی، بلکه معرفی خود به جامعه‌ای بود که در مقابل نادیده‌گرفتن حق سکوت کردند و امام خود را تنها گذاشتند. از سوی دیگر این معرفی می‌تواند محرک و راهگشای مردمی باشد که نه تنها از گذشته خود درس نگرفته بودند، بلکه برای مقابله با معاویه نیز عیب‌جویی می‌کردند. وجود نوعی هشدار انگیزشی در خوداظهارها و تبدیل خوداظهارها به محملی برای بیدار کردن مردم، یکی از شیوه‌های بلاغی امیرالمؤمنین(ع) است. اوج این تجلی در جملاتی چون «یَنْحَدِرُ عَنِّی السَّیْلُ، وَلَا یَرْقی اِلَیَّ الطَّیْرُ[۱]» دیده می‌شود. این برانگیختگی روانی و این هشدار پنهان از سوی مخاطب به خوبی حس می‌شود. امام با تکیه بر حس زیبایی‌شناسی و با استفاده از روش بنیادین پاتوس سعی در تحریک ناخودآگاه مخاطب دارد. ارائه استدلال‌هایی قوی با نقاب واژگانی ناب و محرک- البته در این خطبه جنبه هشدار و گزند همراه با خوار شمردن مسئله خلافت برجستگی بیشتری دارد- همزمان جنبه‌های اتوس و پاتوس خطبه را پررنگ می‌کند.

نگرش‌ها نیز ۱۱٫۸۶ درصد از نشانگرها را تشکیل می‌دهند. نویسنده می‌بایست جهت تبیین ایده‌های خود، منابع فراگفتمانی اتوس را فراخواند. امام علی(ع) با تکیه بر این نگرش‌های کلان، نقد خود را در قالب کلامی کنش‌گرایانه ارائه می‌دهد، به این نحو که با ارائه امری که دیگران از اظهار آن در عیان عاجزند، منابع اتوسی را بی‌پرده فرا می‌خواند. یکی از جلوه‌های برجسته این شیوه، را می‌توان آنجا یافت که خلیفه سوم را به شدت مورد انتقادی گزنده قرار می‌دهد و گویی حرف دل مردمی را زده که پای سخنش نشسته بودند.

تأکیدها نیز ۸٫۴۷ درصد از کل نشانگرها را تشکیل می‌دهند. این نشانگرها، نویسنده را متعهد می‌کند که به آنچه می‌گوید اطمینان داشته و اعتبار خود را در پیشگاه خواننده یا شنونده

---

۱. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است، و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد

افزایش دهد. ایجاد قدرت کلامی در شـخص گوینده، اتوسـی اسـت که با اسـتفاده از میزان نشـانگرهای تأکید به متن وارد می‌شـود. امام با اسـتفاده از تأکیدها، چهره‌ای مصـمّم، مطمئن و محکم از خود به خواننده نشـان می‌دهد و به شـنونده کمک می‌کنند تا بتواند اطمینان و اعتقاد راسـخی به گوینده پیام پیدا کند. کاربرد ترکیبات شـخص اول با تأکیدها به عنوان یک راهبرد، سـخنران را مصـمم، قاطع و مثبت جلوه می‌دهد و اتوس وابسـته به او را صادق و صریح نشان می‌دهد. سـایر نشانگرها با بسامد پایین در متن خطبه به چشم می‌خورند که به فراخور هر فراز کارکرد مربوطه را ایفا کرده‌اند. سایر نشانگرها نیز به اقتضای حیطه محاوره و یا تعامل به نسبتی تقریباً یکسان به کار رفته‌اند.

از حیث پربسـامد بودن گذرها، یافته‌های پژوهش حاضـر با نتایج به دست آمده در پژوهش پهلوان‌نژاد و علی‌نژاد (۲۰۱۲) که به بررسـی کاربرد عناصـر فراگفتمانی در متون نوشـتاری بر اسـاس چارچوب هایلند (۲۰۰۵) پرداختند همخوانی دارد. آنها دریافتند که گذرها پرتکرارترین نشـانگر در بین فارسی‌زبانان و فارسی‌آموزان عرب هستند. همچنین، پربسامد بودن نشانگرهای محاوره‌ای (متنی) در پژوهش حاضـر، با یافته سـیمین (۲۰۰٤) و هاشـمی و گل‌پرور (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

در مقابل، یافته‌های این پژوهش از این حیث که مجموع نشـانگرهای محاوره‌ای بیشـتر از نشـانگرهای تعاملی بود و نیز گذارها پربسامدترین نشانگرها بودند مخالف با یافته‌های پژوهش هایلند و تس (۲۰۰٤) اسـت. آنها در پژوهشـی دریافتند که نویسندگان معمولاً از میزان بیشتری از صـورت‌های تعاملی اسـتفاده می‌کنند و عبارات احتیاطی پربسامدترین نشانگرها هستند. البته می‌توان این اختلاف را علاوه بر منظر زبانی، از منظر فرهنگی مورد بررسـی بیشـتری قرار داد. همچنین، یـافته‌های پژوهش در رابطه با نقش مثبت فراگفتمان در اقناع و ترغیب مخاطب، با نتایج پژوهش‌های گنزالز (۲۰۰۵)، جلیلی‌فر و علی‌پور (۲۰۰۷)، و توکلی و همکاران (۲۰۱۰)، همخوانی دارد.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل نشـان داد که در خطبه شـقشـقیه، بسـامد گذرها از بسـامد سـایر نشـانگرهای محاوره‌ای اسـت. هنگامیکه به ارتباط گذرها و مقوله بلاغت می‌نگریم، نقش لوگوس پررنگ‌تر اسـت، زیرا هدف از ایراد سـخن در وهله نخسـت، ارائه مجموعه‌ای منسـجم از معانی اسـت.

همچنین، امام(ع) با بهره‌گیری بیشتر از ابهام‌زداها و تأکیدها، دو مقوله لوگوس و اتوس را به طور همزمان فرامی‌خواند، زیرا هم یکپارچگی متنی مد نظر اوست و هم قصد دارد با ایجاد زنجیره‌های محکم معنایی جایگاه خود را به عنوان گوینده مستحکم کند. نگرش‌ها و خوداظهارها نیز به طور ویژه روی اتوس تمرکز دارند، زیرا مستقیماً با ویژگی‌های شخصی امام(ع) سروکار دارند و هدف از آنها، ارائه تصویری کامل از ایشان است.

وجود چنین تناسبی بین بسامد نشانگرها، منجر به برجسته شدن جنبه کنش‌گرایانه خطبه شده است که هدف غایی آن خلق انگیزش یا هشداری روانی در مخاطب است تا وی را به انجام کاری ترغیب نماید. با این حال، خطبه شقشقیه از یک سو ویژگی‌های زیبایی‌شناختی خود را حفظ کرده، و در عین حال از حیث سیاسی به نقد مسئله‌ای می‌پردازد که موجب شد امام علی(ع) ۲۵ سال را در صبر و سکوت سر کند. امام علی(ع) با بهره‌گیری از اصول بلاغی، کلام را به گونه‌ای منعقد کرده تا مخاطب قانع شود که وی منافع شخصی خود را بر مصالح امت اسلام ترجیح نداده است. همچنین با استفاده از طیف واژگانی وسیع و بسترسازی از طریق فنون بلاغت، معانی عمیقی را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم انتقال می‌دهد.

گفتمان امام علی(ع) در خطبه شقشقیه، که متنی پر استعاره است جلوه‌ای معرفتی دارد، از این حیث که تصور می‌شود گوینده با مخاطبی غافل رو به رو است و لاجرم مسیر سخن می‌بایست به سوی هشدار غیرمستقیم پیش رود. وجه غالب کلام امام علی(ع) در این خطبه غالباً متمرکز بر روش‌های بنیادین لوگوس و پاتوس است، زیرا بافت اجتماعی-سیاسی، وجود جنبه‌های عقلانی و البته احساسی در کنار هم را ایجاب می‌کرده‌است. از حیث بافت اجتماعی-سیاسی دلیل این امر را می‌توان اینگونه تشریح کرد که به عقیده امام علی(ع) دعوت از ایشان برای پذیرش حکومت پس از ۲۵ سال- اگر بیعت عمومی و وجود یاران و ادای دین الهی نبود- «پشیزی ارزش» (نهج‌البلاغه، ترجمه شهیدی: ٦) نداشت.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (١٤٠٤ق). *شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد خوانساری*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۷۰). الکامل فی التاریخ، ترجمه سید محمد روحانی. تهران: انتشارات اساطیر.

۳. ارسطو. (١٣٤٣). *فن شعر؛ ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

٤. امامی‌فر، علی. (۱۳۷۹). *اشارات تاریخی امام علی(علیه السلام) در خطبه شقشقیه(۲)*. سامانه نشریات معرفت. برگرفته از http://marifat.nashriyat.ir/node/1228#_73

٥. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۷ق)، *انساب الاشراف، تحقیق محمدباقر محمودی*. بیروت: موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات.

٦. پهلوان‌نژاد، محمدرضا، علی‌نژاد، بتول. (۱۳۹۱). بلاغت مقابله‌ای و بررسی فراگفتمان در انشاهای توصیفی فارسی‌زبانان و فارسی‌آموزان عرب. *پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*، *۱*(۱)، ۷۹-۱۰۰.

۷. رضی، شریف. (۱۳۷۸). *نهج‌البلاغه؛ ترجمه سیدجعفر شهیدی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۸. شهیدی، سیدجعفر. (۱۳٦۰). *بهره ادبیات از سخنان علی علیه‌السلام*؛ تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۹. صدیقی، کلثوم، ستایش مهر، عاطفه. (۱۳۹٤). بررسی تطبیقی "ارجاع" به‌عنوان یکی از عوامل "انسجام متنی" در نهج‌البلاغه (مطالعه‌ی موردپژوهانه‌ی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی طاهره صفارزاده). *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۳(۱۲)، ۲٥-٤۲.

۱۰. طالقانی، محمود. (۱۳۷٤). *پرتوی از نهج‌البلاغه، مصحّح سیدمحمدمهدی جعفری*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۱. طباطبایی لطفی، سید عبدالمجید، قاسمی، طاهره. (۱۳۹۲). بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه کنش گفتاری. *سیاست متعالیه*، ۲(٦)، ۹-۳۰.

۱۲. عرب زوزنی، محمدعلی، و پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج‌البلاغه براساس فرانقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا. *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۲(٦): ۱۷-۳۷.

۱۳. فتحی مظفری، رسول، مسبوق، سید مهدی، و قائمی، مرتضی. (۱۳۹٦). رهیافتی نو بر ترجمه‌های نهج‌البلاغه در پرتو تحلیل مؤلفه‌های معنایی واژگان. *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، *٥*(۱۷): ۲۱-٤۰.

۱٤. فیلیپ، م. (۱۳۸۱). میشل فوکو، ترجمه یعقوب موسوی. *گفتمان*، *٥*، ۳۸-۲۱.

۱٥. کاظمی، فروغ. (۱۳۹۳). جستاری در نهج‌البلاغه از منظر نظریه زبانی کارگفت. *صحیفه مبین ـ پژوهشنامه مطالعات تاریخی ـ زبان‌شناختی قرآن و حدیث*، ۲۰(٥٥)، ۷-۳۸.

۱٦. کرم‌پور، زهرا، حسومی، ولی‌الله، و خاکپور، حسین. (۱۳۹٤). اقناع مخاطب در نهج‌البلاغه، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۳(۹)، ۲۷-٥۳.

۱۷. کریمی، محمود، دل افکار، علیرضا، و جعفری، رضا. (۱۳۹٦)، مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف در نهج‌البلاغه. *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، *٥*(۱۷): ۷٥-۹۳.

18. Amiryousefi, M., & Eslami Rasekh, A. (2010). Metadiscourse: Definitions, issues and its implications for English teachers. *English Language Teaching*, *3*(4), 159-167.

19. Crismore, A., Markkanen, R., & Steffensen, M. S. (1993). Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish university students. *Written communication*, *10*(1), 39-71.

20. González, R. A. (2005). Textual metadiscourse in commercial websites. *Ibérica: Revista de la Asociación Europea de Lenguas para Fines Específicos (AELFE)*, (9), 33-52.
21. Harris Z. S. (1952). Discourse Analysis: A sample text. *Language*, *28*(4), 1.
22. Harris, Z. S. (1959). The transformational model of language structure. *Anthropological Linguistics*, 27-29.
23. Hashemi, M. R., & Golparvar, S. E. (2012). Exploring metadiscourse markers in Persian news reports. *International Journal of Social Science Tomorrow*, *1*(2), 1-6.
24. Hyland, K. (2000). *Disciplinary discourses: Social interaction in academic genres*. Harlow, UK: Longman.
25. Hyland, K. (2004). Disciplinary interactions: Metadiscourse in L2 postgraduate writing. *Journal Of Second Language Writing*, *13*(2), 133-151.
26. Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: Exploring interaction in writing*. Bloomsbury Publishing.
27. Hyland, K. (2017). Metadiscourse: What is it and where is it going?. *Journal of pragmatics*, *113*, 16-29.
28. Hyland, K., & Tse, P. (2004). Metadiscourse in academic writing: A reappraisal. *Applied linguistics*, *25*(2), 156-177.
29. Jalilifar, A., & Alipour, M. (2007). How explicit instruction makes a difference: Metadiscourse markers and EFL learners' reading comprehension skill. *Journal of College Reading and Learning*, *38*(1), 35-52.
30. Simin, S. (2004). *Metadiscourse knowledge and use in Iranian EFL writing*. Unpublished Master‘s thesis, Isfahan University, Isfahan.
31. Tavakoli, M., Dabaghi, A., & Khorvash, Z. (2010). The effect of metadiscourse awareness on L2 reading comprehension: A case of Iranian EFL learners. *English Language Teaching*, *3*(1), 92.
32. Thompson, G., & Thetela, P. (1995). The sound of one hand clapping: The management of interaction in written discourse. *Text-Interdisciplinary Journal for the Study of Discourse*, *15*(1), 103-128.
33. Vande Kopple, W. J. (1985). Some exploratory discourse on metadiscourse. *College Composition and Communication*, 82-93.